

میدون و سوفیا

با پوست پیاز چی کار کنیم؟



پورتیا عالمی

- سلام سوفیا. بیا. برات پیاز خریدم.

– پیاز و مرض. مردم برای عشقشان چی می‌خرند، تو برای من چی می‌خری. خاک‌توسرت میدون دوم.

سوفیا تو اشتباه می‌کنی. پیاز الان ارزشش از طلا بیشتر است. اگر برایت طلا می‌خریدم مثل این بود که برایت کود خریده بودم، هرچند الان کود هم وارد می‌کنیم.

– یعنی چی؟ کود مگه چیز نیست؟ یعنی ما چیز هم وارد می‌کنیم؟

بله عشقم. الان همه چیز وارد می‌شود، چیز که جای خود دارد.

– سؤال ریاضی دارم میدون دوم! الان که دلار ۱۳، ۱۴ هزار تومان است و هسی هم بالاتر می‌رود، اگر حقوق یک نفر باشد یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان (حالا فکر کن حداقل یک میلیون ونیم بدهند)، حقوق هر ایرانی چند دلار در ماه است؟

تقریباً ۱۰۰، ۱۲۰ دلار.

– خب، با ۱۲۰ دلار چی‌کار می‌شود کرد؟ چقدرتا گونی پیاز خورد.

– چند گونی پیاز به چه درد آدم می‌خورد؟

– بیازش را گازگاز می‌خوری که بوی گند بگیرى و نتوانی از خانه بیایی بیرون و دیگر خرج ایاب‌وذهاب و لباس و معاشرت و ... بهت تحمیل نشود.

– آفرین. بعدش چی؟

بعد پوست پیازها را می‌کنی توی سوراخ دماغت و سوراخ گوشت و...

– چرا؟

دلیل خاصی ندارد. تو فکر کن که چقدرتا گونی پیاز داری و نشستی توی خانه و پول نداری از برق و آب استفاده کنی. با کسِی هم معاشرت نمی‌کنی و بیرون هم نمی‌روی و هیچی به هیچی. وقتت را چطوری بر می‌کنی؟

– پوست پیازها را می‌کنم توی سوراخ‌هام از قبیل سوراخ دماغم و سوراخ گوشم و...

آفرین.

– بعدش چی؟ گونی را چه‌کار کنیم؟ گونی را تبدیل می‌کنی به یک شغل. این‌طوری که گونی را می‌اندازی روی دوشت و می‌روی توی سطل آشغال روبه‌روی خانه افراد خدم مملکت دنبال آت‌وآشغال و ماندن‌غذا می‌گردد. وقتی هم که از گرسنگی داشتی هلاک می‌شدی، می‌توانی وصیت کنی...

چه وصیتی؟

که: تو را در گونی‌ات ببندازند و گونی‌ات را از بالای کوه پرت کنند پایین.

– چرا؟

چون پول قبر ۱۰ میلیون تومان است؛ یعنی ۶۶۶ دلار و تو نهایتا داری ماهی یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان؛ یعنی صد دلار درمی‌آوری.

– حالا من چی‌کار کنم میدون دوم؟ من که به‌عنوان یک جوان تحصیل‌کرده ایرانی هیچ شغلی پیدا نکردم و بیمه نیستم و هیچ آینده‌ای ندارم و همان صد دلار را هم درآمد ندارم و از پیاز و گونی هم محروم هستم.

هیچی سوفیا. تو اصلاً آدم محسوب نمی‌شوی. تو باید روی نقشه نگاه کنی ببینی کجا بلایی نازل می‌شود، بدوبدو بروی که آب‌به‌آب بروی تا آبروت نرود و کسی نفهمد رسماً بدبخت هستی و ماهی صد هزار دلار درمی‌آوری.

تجربه به دیگران

امنیت ۲۰ میلیون دلاری

● تک تایمز گزارشی ارائه داده است از هزینه‌های گران‌قیمت تأمین بنیان‌گذار و مدیر اجرایی فیس‌بوک؛ ارقامی که می‌تواند هوش را سر بیراند. به گزارش ایسنا، سال گذشته فیس‌بوک تقریباً ۲۰ میلیون دلار هزینه کرده است تا امنیت مارک زاکربگ و خانواده‌اش را تأمین کند. این چهاربرابر مبلغی است که در سال ۲۰۱۶ برای این کار صرف شده بود. سال ۲۰۱۸ سالی پر از اتفاق برای فیس‌بوک و زاکربگ بود، چراکه با رسوایی نشت اطلاعات و لورتن اف‌اطلاعات خصوصی کاربران فیس‌بوک مصادف شد. درحالی‌که زاکربگ از این نشت اطلاعات خبر داشت، اما آن را علنی نکرد. زاکربگ تنها سالی یک دلار از فیس‌بوک حقوق دریافت می‌کند و حتی پاداش سالانه را نیز نمی‌گیرد، اما سندی که اخیراً منتشر شده، نشان می‌دهد که زاکربگ در سال گذشته بیش از ۲۲ میلیون دلار دیگر از فیس‌بوک دریافت کرده است، حدود ۲.۶ میلیون دلار از این مبلغ صرف سفرهای شخصی وی با جت شخصی شده و به طور مشخص فیس‌بوک به زاکربگ در سال ۲۰۱۸ مبلغ ۹ میلیون و ۹۵۶ هزار و ۸۴۷ دلار (بدون احتساب مالیات) برای هزینه‌های حفاظت از محل سکونت و سفر اعطا کرد. علاوه‌بر این نیز مبلغ ۱۰ میلیون دلار برای تأمین هزینه‌های اضافی مربوط به امنیت شخصی وی و خانواده‌اش پرداخت.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۲۶ فروردین ۱۳۹۷
۹ شعبان ۱۴۴۰
۱۵ آوریل ۲۰۱۹
• سال شانزدهم • شماره ۳۴۰۳
۱۶ صفحه
اذان ظهرتهران ۱۳:۰۴
اذان مغرب ۱۹:۵۶
اذان صبح‌فردا ۵:۰۳
طلوع آفتاب ۶:۳۱

روزنارخرا



کوبین سیرس

کارتون خواب

به بهانه انتشار اولین عکس واقعی از یک سیاه‌چاله فضایی



اتفاق

هشدار دوباره انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران

دستگاه‌های رسمی به حفظ و بقای مطبوعات بی‌اعتنا نباشند

در جلسه این هفته، هیئت‌مدیره انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران، به تقبیح موضوع اخراج گروهی روزنامه‌نگاران پرداخت و همچنین از روزنامه‌نگاران اخراج یا تعدیل‌شده خواست که به انجمن مراجعه کنند. در این جلسه درباره اخراج‌ها و تعدیل‌هایی که در هفته‌های پایانی سال گذشته و

اوایل سال جدید از سوی برخی مؤسسه‌های مطبوعاتی انجام شد، بحث و بررسی شد. به گزارش روابط‌عمومی انجمن، در این جلسه اعضای هیئت‌مدیره تأکید داشتند که مشکلات موجود مطبوعات کشور که بر

اثر شرایط اقتصادی و فشارهای بیرونی تحمیل شده است، وضعیت دشواری را برای آنها ایجاد و بقای مطبوعات را با خطری جدی مواجه کرده و متأسفانه سازمان‌ها و دستگاه‌های رسمی کشور نیز اهماتی جدی به حل این مشکلات ندارند.
باین‌حال اخراج روزنامه‌نگاران نه‌تنها کمک چندانی به

کاهش مشکلات مؤسسه‌های مطبوعاتی نمی‌کند، بلکه با بی‌ثبات‌کردن حرفه روزنامه‌نگاری، شرایط کاری مطبوعاتی کشور را نیز دشوارتر خواهد کرد، ازهمین‌رو هیئت‌مدیره این اخراج‌ها را قویا تقبیح می‌کند. انجمن از مدیران مطبوعاتی می‌خواهد با صبوری بیشتری با بحران‌های موجود مواجه شده و اخراج روزنامه‌نگاران را به‌عنوان راه‌حل مشکلات خود نبینند. انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران تأکید دارد که دستگاه‌های رسمی کشور باید به‌خاطر حفظ و بقای مطبوعات و نهاد رسانه، به‌طور ویژه به این موضوع توجه کرده و نسبت به آن بی‌اعتنا نباشند.

هیئت‌مدیره انجمن همچنین از تمامی خبرنگاران و روزنامه‌نگاران عضو انجمن که از شش‌ماهه دوم سال ۹۷ تا امروز، به هر نحوی از رسانه خود اخراج یا تعدیل شده‌اند و تاکنون به انجمن مراجعه نکرده‌اند خواست موضوع را به دبیرخانه انجمن اطلاع دهند تا انجمن با اطلاع از گستردگی و کم‌وکیف این اخراج‌ها



بابک زمانی رئیس انجمن سکنه مغزی



– یک نفر کامنتی در صفحه مجازی گذاشته و خواهان نظرخواهی همه درباره علت اخیر شده است. ایشان را می‌شناسم؛ صراف، اهل شیراز و هر روز در کار مبادله ارز هستند، اما امسال در کامنت دیگری همه را دعوت به ماندن در تهران و استفاده از هوای پاک عید می‌کردند.

– بنده هم زود دست به کار می‌شوم و نظرات تفصیلی خود را درباره علل سیل، نوسانات دوره‌ای جوزمین و همه مکاشفات ذهنی خودم، همه‌وهمه را توضیح می‌دهم. بنده را هم که لایذ می‌شناسید نسخه‌نویسی یک لا قبا هستم، بنده اهل مناطق

سیل‌زده نیستم!

– آقای دیگری کامنت دیگری حاکی از نقدی شدید بر شیوه امداد‌رسانی نوشته و خواستار حضور همه مسئولان در کارزار سیل شده است. ایشان را هم می‌شناسم؛ استاد تأسیسات و لوله‌کشی



بهمن کشاورز حقوق‌دان

سال‌هاست نشریه قوانین و مقررات روزنامه رسمی کشور را می‌خوانم و عادت دارم مطالب مهم را با قید علامت اختصاری در بالای صفحه اول، قسمت سفید روزنامه یادداشت کنم. «دک» یعنی رأی هیئت عمومی دیوان عالی کشور، «دع» یعنی رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری و «د» یعنی مصوبه هیئت دولت و «ق» یعنی قانون و...

آبونه‌شدن و مطالعه این نشریه را همواره به دوستان و همکاران جوانم توصیه کرده‌ام و می‌کنم؛ زیرا با خواندن اینها اطلاعات ما روزآمد می‌شود و به‌نوعی دکترین حقوقی جاری و غالب در جامعه را درمی‌یابیم. البته با نهایت افسوس مدتی است، نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه در این نشریه منعکس نمی‌شود و معلوم نیست چرا؟

اما غرض از نوشتن این مطلب اینکه در چند سال اخیر نسبت موجود بین آرای وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور و آرای هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، به ضرر دیوان عالی کشور تغییر کرده است. هزارچندگاهی-مثلا هر چند ماه یک‌بار- رای وحدت رویه‌ای در روزنامه رسمی منتشر می‌شود اما بیشتر شماره‌های این روزنامه پر است از آرای هیئت عمومی دیوان عدالت اداری. این موضوع توجه‌ما را جلب و به تامل وادارم کرده بود. البته از جهت شکل کار و نحوه طرح موضوع در دو هیئت عمومی تفاوت‌های جدی بین این دو دستگاه وجود دارد. مقدمات و تشرفات طرح قضایا در هیئت عمومی دیوان عالی کشور پیچیده‌تر و لاجرم طولانی‌تر است و هر ذی‌نفعی نمی‌تواند متقاضی طرح باشد و درعین حال مطالب و مسائل مطروحه نیز جنبه استثنائی دارد و چیزی نیست که هر روز عنوان شود. اما موارد مطروحه در هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با زندگی روزانه مردم مرتبط است. طرفه اینکه لازم نیست فرد متقاضی طرح موضوع (که معمولا درخواست ابطال یک مصوبه یا تصمیم اداری است) ذی‌نفع به معنی اخض باشد.

کثرت تعداد آرای هیئت عمومی دیوان عدالت اداری و اینکه در نظر اجمالی بعضی از آنها تکراری به نظر می‌رسید، باعث شد چند ماهی این آرا را با اینکه بعضا برایم جذابیت حقوقی نداشت، با حوصله و دقت بیشتری بخوانم و به‌ویژه به مشخصات شاکي و موضوع شکایت بیشتر توجه کنم.

باید ایسن را هم بگویم که کم‌وبیش متوجه بروز تحولاتی در این دیوان شده بودم که البته قسمتی از آن ناشی از تصویب قانون جدید تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت در سال ۱۳۹۲ بود که بعضی پدیده‌های جدید در آن وارد شد اما پاره‌ای دیگر از تحولات احتمالا حاصل تغییر مدیریت بود. حقیقت این است که بنده

متأسفیم از اینکه اعلام کنیم اگر چاره‌اندیشی نشود، از ابتدای سال ۱۳۹۸ با موج قدرتمندی از تعطیلی مطبوعات و بیکاری روزنامه‌نگاران مواجه خواهیم شد و مطبوعات بیش از گذشته به محاق و شایه خواهند رفت. آنان که در پی تضعیف نهاد مطبوعات بودند، امروز نتیجه اقدامات خود را می‌بینند و در آینده نزدیک آشکارتر خواهند دید».

دیلی‌میل: نمایش فصل آخر سریال «گیم آف ترون» یا به قول علاقه‌مندان‌ش GOT قرار است به زودی آغاز شود. علاقه‌مندان‌ش با اشتیاق منتظر اتفاقاتی هستند که در این قسمت قرار است رخ دهد. افزایش رونق صنعت گردشگری در ایرلند شمالی و همین‌طور کرواسی از دیگر مشخصه‌های این سریال است. در این میان گروهی از دانشجویان آلمانی در حال تلاش برای پیش‌بینی این هستند که چه کسانی در این سریال خواهند مرد. آنها با استفاده از یک الگوریتم مخصوص سعی کردند پیش‌بینی کنند که چه کسانی می‌میرند و چه کسانی زنده خواهند ماند. این دانشجویان هوش

آکادمی

سیل، ما و مسئولان

منازل هستند، اهل لرستان است ولی همین دیروز منزل ما بود.

– در تأیید فرمایشات ایشان، خانمی با تندترین لحن‌ها خطاب به مسئولان وارد بحث شده و راهکارهای متعدد ارائه می‌دهد! ایشان هم به گمانم آرایشگر معروف و اهل گرگان باشند، اما عکسی اخیرا ایشان را در لوکزامبورگ نشان می‌دهد.

■ ■ ■

– عکس دیگری هست از یکی از مسئولان وزارتخانه‌ها درست در کنار یک رودخانه سیل‌آسا. صبح عکسی بود از خود ایشان با گروهی که سراسیمه به جایی می‌رفتند؛ دیروز در جمع مجروحان، پریوز با چشم‌هایی نخوابیده، موهایی ژولیده در حال گفت‌وگو با یک پیرمرد سیل‌زده و خستگی‌ای که در چهره او موج می‌زند، معلوم می‌کند که روزهاست یک خواب خوب نداشته است.

– عکس دیگری از یکی از دوستان قدیم؛ یکی از مسئولان نهادهای تصمیم‌گیر و برنامه‌ریز در حالی‌که شسلوارها را تا بالای زانو بالا زده و در کل فرورفته، به بیلی تکیه داده و با موهای سفید و آشفته به زمین می‌نگرد. ظاهرش نشان می‌دهد که قطعا این عکس

یادداشت

دیوان عدالت اداری چه کار می‌کند؟

در زمانی هم که به‌طور جدی وکالت می‌کردم تردد چندانی در دیوان عدالت نداشت‌م و اطلاعات من مبتنی‌بر چیزهایی است که از همکاران جوان و فعال می‌شنیدم

و می‌شنوم. از همین طریق آگاه شدم که محل دیوان عدالت تغییر کرده و به ساختمان جدید و بهتری منتقل شده است. دیوان فراخوانی برای جلب همکاری افراد علاقه‌مند و متخصص داده است و عده‌ای را هم استخدام کرده (یا یا آنها قرارداد بسته) است. ورود رباب رجوع عادی و وکلا به ساختمان دیوان ترتیب معقول و آبرومندی پیدا کرده است. به حکم ضرورت پس از سال‌ها چند مورد مراجعه به ساختمان جدید دیوان عدالت داشت‌م که دو مورد آن مربوط به مسائل اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران (اسکودا) و یک مورد کار وکالتی بود و در نتیجه، شنیده‌ها را دیدم. نمی‌دانم رئیس فعلی دیوان از چه زمانی منصوب شده و قیلا کجا بوده است. البته باید اعتراف کنم که با توجه به گذشت زمان و عوض شدن نسل، حالا دیگر کمتر کسی از قضات و مسئولان قضائی را می‌شناسم. اما به هر حال وضعیت موجود دیوان عدالت اداری منتسب به رئیس فعلی آن است.

مردم و شهروندان با یکدیگر اختلاف پیدا می‌کنند و گاهی‌کار اختلاف‌فشان بالا می‌گیرد و به دادگستری می‌کشد و سرانجام، در بسیاری از موارد، به‌ا همه چیزهایی‌که درباره دادگستری ما گفته می‌شود به اصطلاح از پس هم بر می‌آیند و کار تمام می‌شود اما وقتی دولت و حکومت با مؤسسات عمومی یا مأمور به خدمت عمومی، به حقوق مردم تعرض می‌کنند، مطلب چیز دیگری است.

در گذشته‌های خیلی دور، پیش از پیروزی انقلاب و تغییر نظام قضائی – تا آنجا که به یاد دارم- سه شعبه دادگاه‌های استان به دعای استخدامی و اداری رسیدگی می‌کردند و مابقی دعاوی‌ای که خوانده آنها دولت بود – بدون توجه به خواسته و میزان آن- در دادگاه شهرستان رسیدگی می‌شد. بنده موردی نداشت‌م تا بفهمم مصداق عملی دعای «اداری و استخدامی» چه بود اما گمان نمی‌کنم این موارد شامل پهنه وسیعی که اینک دیوان عدالت اداری در مورد آنها اظهار نظر می‌کند، می‌شد.

نگاهی گذرا به آرای هیئت عمومی دیوان عدالت اداری وسعت گستره مسائل مبتلا به در دیوان عدالت اداری را روشن می‌کند:

– تنظیم داوطلب استخدام در یکی از وزارتخانه‌ها که همه شرایط را داشته و قبولی‌اش هم به او اعلام شده و بعدا فرد دیگری را که حتی شرط طول قد ۱۶۰ سانتی‌متر را هم نداشته، آن‌گاه حالتی در ذهن محسوس می‌شود که شکایت آمده «بنا به مصالحي» به او ترجیح داده و استخدام کرده‌اند!

– داد‌خواهی داوطلب ورود به دوره دکترا که فردی را که فاقد شرایط و نمره کافی بوده به جای او پذیرفته‌اند.

– دعای متعدد برای ابطال بخش‌نامه‌ها و

از: خانه، عاشقان، ازدواج، القاب، شخصیت اصلی / جزئی و جنسیت، طبق این پیش‌بینی اتفاقات ناگواری برای خاندان دوست‌داشتنی استارک رخ خواهد داد، خاندانی که از لانس‌ترا محبوب‌تر هستند اما سرنوشتی دردناک‌تر از ابتدا داشتند. پنج شخصیتی که به احتمال زیاد زنده می‌مانند: ۱۰. مادر ازدها / ۲. تیرون لانس‌تر / ۳. لرد وایبریس / ۴. سامونل / ۵. جیمی لانس‌تر. و آنهایی که به صورت دردناکی از این داستان خادحافظی خواهند کرد و البته به شکل خشونت‌آمیزی، اینها خواهند بود: ۱. برون (احتمال مرگ او بیش از ۹۳.۵ درصد است) / ۲. کلکن / سانسا استارک / برن استارک / سندور کلکن



پیش‌بینی آینده سریال Game of Thrones